

shariatkhoda.org

ضمیمه ۷b: طلاق‌نامه — حقایق و افسانه‌ها

این صفحه بخشی از مجموعهٔ پیوندهایی است که خدا می‌پذیرد و ترتیب آن چنین است:

۱. ضمیمه ۷a: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: پیوندهایی که خدا می‌پذیرد
۲. ضمیمه ۷b: طلاق‌نامه — حقایق و افسانه‌ها (صفحهٔ کنونی).
۳. ضمیمه ۷c: مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا
۴. ضمیمه ۷d: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه

«طلاق‌نامه» که در کتاب‌مقدس از آن یاد شده است، اغلب به‌اشتباه مجوزی الهی برای بر هم زدن ازدواج‌ها و مجاز ساختن پیوندهای تازه دانسته می‌شود. این مقاله معنای واقعی [**סֵפֶר כְּרִיתוּת** (sefer keritut)] در تثنیه ۲۴:۱-۴ و [**βιβλίον ἀποστασίου** (biblíon apostasíou)] در متی ۵:۳۱ را روشن می‌کند و تعالیم نادرستی را رد می‌کند که می‌گویند زنِ طردشده آزاد است دوباره ازدواج کند. بر پایهٔ کتب مقدس نشان می‌دهیم که این رسم، که موسی به‌سبب سختی دل‌های انسان‌ها آن را تحمل کرد، هرگز فرمانی از سوی خدا نبود. این بررسی بر این نکته تأکید می‌کند که از نظر خدا، ازدواج پیوندی روحانی است که زن را تا مرگ شوهرش به او مقید می‌کند، و «طلاق‌نامه» این پیوند را نمی‌گسلد و زن را تا زمانی که شوهر زنده است، در قید آن نگه می‌دارد.

پرسش: طلاق‌نامه‌ای که در کتاب‌مقدس از آن یاد شده است چیست؟

پاسخ: روشن باشد که برخلاف آنچه بیشتر رهبران یهودی و مسیحی تعلیم می‌دهند، هیچ دستور الهی دربارهٔ چنین «طلاق‌نامه‌ای» وجود ندارد — چه رسد به این اندیشه که زنی که آن را دریافت می‌کند آزاد است وارد ازدواجی تازه شود.

موسی فقط به‌عنوان بخشی از یک مثال در تثنیه ۲۴:۱-۴ از «طلاق‌نامه» یاد می‌کند، با این هدف که به فرمان واقعی موجود در آن بخش برسد: **این‌که شوهر نخست، اگر همسر پیشینش با مرد دیگری هم‌بستر شده باشد، نباید دوباره با او هم‌بستر شود** (نگاه کنید به ارمیا ۳:۱). در ضمن، شوهر نخست حتی می‌توانست او را بازپس بگیرد — اما دیگر مجاز نبود با او رابطهٔ جنسی داشته باشد، چنان‌که در ماجرای داوود و همخوابه‌هایی که مورد تجاوز ابشالوم قرار گرفته بودند می‌بینیم (دوم سموئیل ۳:۲۰).

دلیل اصلی این‌که موسی فقط در حال ترسیم یک وضعیت است، تکرار حرف ربط כִּי (ki، «اگر») در متن است: **اگر** مردی همسری بگیرد... **اگر** چیزی ناروا [עֶרְוָה، **ervah**، «عریانی»] در او بیابد... **اگر** شوهر دوم بمیرد... موسی به‌عنوان یک شیوهٔ بلاغی، وضعیتی ممکن را ترسیم می‌کند.

عیسی روشن ساخت که موسی طلاق را **ممنوع نکرد**، اما این بدان معنا نیست که آن بخش مجوزی رسمی است. در واقع، هیچ بخشی وجود ندارد که در آن موسی طلاق را **مجاز اعلام کند**. او فقط در برابر سختی دل‌های قوم موضعی منفعلانه گرفت — قومی که تازه از حدود ۴۰۰ سال بردگی بیرون آمده بودند.

این برداشت نادرست از تثنیه ۲۴ بسیار قدیمی است. در روزگار عیسی، ربی هیلل و پیروانش نیز چیزی را از این بخش استخراج کردند که در آن وجود ندارد: این اندیشه که مرد می‌توانست همسر خود را به هر دلیلی از خود براند.

محور بحث دو واژهٔ عبری در آیهٔ ۱ بود: עֶרְוַת דָּבָר (ervat davar). Ervat به معنای «عریانی» یا «ناروایی» است و davar به معنای «یک موضوع» یا «یک چیز». وقتی این دو واژه، چنان‌که دستور زبان اقتضا می‌کند، با هم خوانده شوند، عبارت به معنای «چیزی ناروا» است.

مکتب‌های ربانی این عبارت را از هم جدا کردند. مکتب شمای به واژهٔ نخست، ervah (ناروایی)، پایبند ماند: طلاق فقط به‌سبب ناروایی جنسی مجاز است. مکتب هیلل بر واژهٔ دوم، davar (یک موضوع)، تکیه کرد: مرد می‌توانست همسر خود را به‌خاطر هر موضوعی که او را ناخشنود می‌کرد طلاق دهد — حتی، چنان‌که در میشنا ثبت شده است، به‌دلیل سوزاندن غذای او (میشنا، گیتین ۹:۱۰؛ تلمود، گیتین ۹۰a). آنان با در نظر گرفتن یک عبارت به‌عنوان دو مبنای جداگانه، «چیزی ناروا» را به «ناروایی یا هر موضوع دیگری» تبدیل کردند.

سپس عیسی این خطاها را اصلاح کرد:

۱. او تأکید کرد که πορνεία (**porneía**) — چیزی ناروا) تنها دلیل پذیرفتنی است.
۲. او روشن ساخت که موسی فقط به‌سبب سختی دل‌های مردان اسرائیل، آنچه را با زنان می‌کردند تحمل کرد.
۳. عیسی در موعظهٔ بالای کوه، هنگامی که از «طلاق‌نامه» یاد کرد و سخن خود را با عبارت «اما من به شما می‌گویم» به نتیجه رساند، استفاده از این ابزار حقوقی را برای جدایی جان‌ها ممنوع کرد (متی ۵:۳۱-۳۲).

> **نکته:** واژهٔ یونانی (porneía) **πορνεία** معادل واژهٔ عبری **עֶרְוָה** (ervah) است. در عبری به معنای «عریانی» بود و در یونانی معنای آن به «چیزی ناروا» گسترش یافت. Porneía شامل زنا [**μοιχεία** (moicheía)] نمی‌شود، زیرا در روزگار کتاب‌مقدس مجازات آن مرگ بود. در متی ۵:۳۲، عیسی هر دو واژه را در یک جمله به کار برد و نشان داد که آن‌ها دو چیز متفاوت‌اند.

مهم است تأکید کنیم که اگر موسی چیزی دربارهٔ طلاق تعلیم نداد، به این دلیل بود که خدا به او دستور نداده بود چنین کند — زیرا موسی وفادار بود و فقط آنچه را از خدا می‌شنید بر زبان می‌آورد.

عبارت **sefer keritut**، که معنای تحت‌اللفظی آن «کتاب جدایی» یا «طلاق‌نامه» است، فقط یک بار در سراسر تورات آمده است — دقیقاً در تثنیه ۲۴:۱-۴. به بیان دیگر، موسی در هیچ جا تعلیم نداد که مردان باید از این طلاق‌نامه برای راندن همسرانشان استفاده کنند. این نشان می‌دهد که این کار **رسمی بود که از پیش وجود داشت،** و از دوران اسارت در مصر به ارث رسیده بود. موسی فقط از چیزی یاد کرد که از پیش انجام می‌شد، اما آن را به‌عنوان فرمانی الهی آموزش نداد. شایان یادآوری است که خود موسی حدود چهل سال پیش‌تر در مصر زندگی کرده بود و بی‌گمان با این نوع ابزار حقوقی آشنایی داشت.

بیرون از تورات، تنخ نیز **sefer keritut** را فقط دو بار به کار می‌برد — هر دو بار به‌صورت استعاری، در اشاره به رابطهٔ میان خدا و اسرائیل (ارمیا ۸:۳ و اشعیا ۱:۵۰).

در این دو کاربرد نمادین، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که چون خدا به اسرائیل «طلاق‌نامه» داد، آن قوم آزاد بود خود را به خدایان دیگر پیوند دهد. برعکس، خیانت روحانی در سراسر متن محکوم می‌شود. به بیان دیگر، **حتی به‌صورت نمادین نیز این «طلاق‌نامه» پیوند تازه‌ای را برای زن مجاز نمی‌کند.**

عیسی نیز هرگز این طلاق‌نامه را چیزی ندانست که خدا آن را برای قانونی کردن جدایی میان جان‌ها مجاز کرده باشد. دو بار در اناجیل از آن یاد شده که هر دو در متی است — و یک بار نیز در بخش موازی آن در مرقس (مرقس ۴:۱۰):

۱. متی ۷:۱۹-۸: فریسیان آن را مطرح می‌کنند و عیسی پاسخ می‌دهد که موسی فقط به‌سبب سختی دل‌هایشان استفاده از طلاق‌نامه را اجازه داد **(epétrepsen)** — یعنی این فرمان خدا نبود.
۲. متی ۳۱:۵-۳۲، در موعظهٔ بالای کوه، هنگامی که عیسی می‌گوید:

«گفته شد: «هر که همسر خود را طلاق دهد، به او طلاق‌نامه بدهد.» اما من به شما می‌گویم: هر که همسر خود را، مگر به سبب **porneía**، طلاق دهد، او را به زنا می‌کشاند؛ و هر که با زن مطلقه ازدواج کند، **زنا می‌کند.**»

بنابراین، این به‌اصطلاح «طلاق‌نامه» هرگز مجوزی الهی نبود، بلکه فقط چیزی بود که موسی با توجه به سخت‌دلی قوم تحمل کرد. هیچ بخشی از کتب مقدس از این اندیشه پشتیبانی نمی‌کند که زن با دریافت این طلاق‌نامه از نظر روحانی رها می‌شود و آزاد است با مرد دیگری پیوند برقرار کند. این اندیشه هیچ مبنایی در کلام ندارد و افسانه است. تعلیم روشن و مستقیم عیسی این حقیقت را تأیید می‌کند.